



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# حضرت خدیجه ع.ا.س. در بستر رحلت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حضرت خدیجه سلام الله علیها در بستر رحلت

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	حضرت خدیجه سلام الله علیها در بستر رحلت
۷	مشخصات کتاب
۷	سال، ماه و روز رحلت خدیجه سلام الله علیها
۸	دلداری دادن پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سلام الله علیها
۹	وصیت خدیجه سلام الله علیها در مورد شب عروسی حضرت زهرا سلام الله علیها
۱۱	خوف خدیجه سلام الله علیها از مرگ
۱۲	رحلت جانسوز خدیجه سلام الله علیها
۱۲	دلداری خداوند به حضرت زهرا سلام الله علیها در سوگ مادر
۱۳	آوردن کفن از سوی خدا برای خدیجه سلام الله علیها
۱۴	اندوه جانکاه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق خدیجه سلام الله علیها
۱۶	مرقد مطهر حضرت خدیجه سلام الله علیها
۱۸	پربشانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فراق ابوطالب علیه السلام و خدیجه سلام الله علیها
۱۹	سوگ خوانی حضرت علی علیه السلام در رحلت ابوطالب و خدیجه علیها السلام
۲۰	گریه و راز و نیاز امام حسین علیه السلام در کنار قبر خدیجه سلام الله علیها
۲۲	رجعت حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ظهور حضرت قائم (عج)
۲۳	شکوه خدیجه سلام الله علیها در عالم برزخ
۲۳	اشاره
۲۳	۱- قصر خدیجه سلام الله علیها
۲۴	۲- خیمه ی شکوهمند خدیجه سلام الله علیها
۲۴	۳- انتظار خدیجه سلام الله علیها برای استقبال از روح علی علیه السلام
۲۵	۴- آمدن خدیجه سلام الله علیها به بالین سکینه سلام الله علیها در عالم خواب
۲۷	۵- ورود شکوهمند خدیجه سلام الله علیها با همراهان به کربلا
۲۹	مقام ارجمند حضرت خدیجه سلام الله علیها در قیامت

۲۹ ..... اشاره

۲۹ ..... ۱- حضرت خدیجه سلام الله علیها بر فراز اعراف

۳۱ ..... ۲- حضرت خدیجه سلام الله علیها در پیشاپیش فاطمه سلام الله علیها در درگاه بهشت

۳۲ ..... ۳- خدیجه سلام الله علیها با هفتاد هزار فرشته ی پرچمدار

۳۴ ..... سلام خدا و همه ی موجودات به تو ای خدیجه!

۳۶ ..... درباره مرکز

## حضرت خدیجه سلام الله علیها در بستر رحلت

### مشخصات کتاب

حضرت خدیجه سلام الله علیها در بستر رحلت

پدیدآورنده: واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

نوع: مقاله

تعداد صفحات: 29

منبع: دانشنامه حضرت خدیجه

ص: 1

### سال، ماه و روز رحلت خدیجه سلام الله علیها

حضرت خدیجه سلام الله علیها به دلیل اسلام خواهی، و مقاومت در این راه، حدود سه سال یا چهار سال همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی هاشم، در شعب ابیطالب، در محاصره ی شدید اقتصادی قرار گرفت.

با توجه به اینکه خدیجه سلام الله علیها در این وقت دوران 63 تا 65 سالگی را می گذرانید، یعنی در دوران و سنین پیری قرار داشت، فشارهای بسیار سخت و گوناگون جسمی و روحی که هنگام محاصره بر محاصره شونندگان، به خصوص بر افراد سالخورده ای مانند ابوطالب پدر بزرگوار علی علیه السلام، و خدیجه سلام الله علیها وارد شد، به راستی کمرشکن و خرد کننده بود. ایثار و مقاومت آنها باعث شد که زنده ماندند. وگرنه شرایط سخت محاصره یک نوع شکنجه و مرگ تدریجی بود، و محاصره شونندگان را از پای در می آورد.

از این رو مطابق روایات وقتی که مشرکان، پایان دوران محاصره را اعلام کردند، پس از آزادی، چندان نگذشت که ابوطالب و خدیجه سلام الله علیها هر دو با فاصله چند روز در بستر رحلت افتاده، و پس از اندک مدتی رحلت کردند، و در حقیقت به شهادت رسیدند.

طبق پاره ای از روایات، دو ماه پس از آزادی از محاصره، ابوطالب علیه السلام از دنیا رفت، و پس از سه روز خدیجه سلام الله علیها نیز رحلت کرد. و مطابق نقل دیگر فاصله ی بین رحلت ابوطالب و خدیجه سلام الله علیها سی

ص: 1

و پنج روز یا یک ماه، یا شش ماه بوده است. (1)

در کتاب ارزشمند الغدیر به نقل از مدارک متعدد آمده: «ابوطالب در نیمه ی شوال سال دهم بعثت از دنیا رفت، سی و پنج روز بعد از رحلت او: حضرت خدیجه سلام الله علیها وفات کرد. با رحلت این دو یار باوفا، حزن شدیدی بر پیامبر صلی الله علیه و آله عارض شد، از این رو آن حضرت، آن سال را «عام الحزن» (سال غم و اندوه) نامید. (2)

ابن ابی الحدید، عالم معروف اهل تسنن نقل می کند که ابوطالب در آغاز سال یازدهم بعثت رحلت کرد.

علامه سروری در مناقب می نویسد: «ابوطالب پس از گذشت نه سال و هشت ماه از بعثت از دنیا رفت.» و محدث راوندی نقل می کند: ابوطالب در آخر سال دهم بعثت رحلت نموده و سه روز بعد از او، خدیجه سلام الله علیها وفات کرد. (3)

هنگامی که حضرت خدیجه سلام الله علیها در بستر رحلت قرار گرفت، پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان همواره در بالین خدیجه سلام الله علیها بودند، و از او پرستاری می کردند، در این مدت ماجراهایی رخ داد که در اینجا نظر شما را به برخی از آنها که دست یافته ایم جلب می کنیم:

### **دلداری دادن پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سلام الله علیها**

از معاذبن جبل نقل شده گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به بالین خدیجه سلام الله علیها آمد، دید او در حال جان سپردن است، فرمود:

«اگره ما نزل بک یا خدیجه، وقد جعل الله فی الکراه خیرا کثیرا فاذا قدمت علی ضرائرک فاقراً هل منی السلام؛

ای خدیجه! برای آنچه

ص: 2

---

1- بحار، ج 19، ص 5 و 58 و 14 و 24.

2- الغدیر، ج 7، ص 372.

3- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14، ص 61.



از رنج و اندوه که برای تو پیش آمده نگران و اندوهگین هستم، ولی خداوند در رنج و اندوه، خیر بسیار قرار داده است، هنگامی که به نزد همشوها و همدم های خود وارد شدی. سلام مرا به آنها برسان.»

خدیجه سلام الله علیها عرض کرد: «ای رسول خدا! آن همدم ها کیستند؟»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنها عبارتند از: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، کلیمه (کلثم) خواهر موسی.»

خدیجه سلام الله علیها گفت:

«بالرفاء و البنین یا رسول الله؛ گوارا و مبارک باد ای رسول خدا.» (1)

جمله ی «بالرفاء و البنین» اصطلاحی است که در آن عصر در عروسی ها به عنوان مبارک باد گفته می شد، تقریباً معادل فارسی آن چنین است: «به به از این دیدار، مبارک و پر ثمر باد»

در یکی از این روزها پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سلام الله علیها فرمود: «آیا نمی دانی که خداوند مرا در بهشت همسر تو نموده است؟!» (2)

### وصیت خدیجه سلام الله علیها در مورد شب عروسی حضرت زهرا سلام الله علیها

اسماء بنت یزید بن سکن (3) که با کنیه ام سلمه خوانده می شد، و غیر از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود می گوید: هنگامی که حضرت خدیجه سلام الله علیها در بستر رحلت قرار گرفت به عیادتش رفتم، وقتی که مرا دید گریه کرد گفتم: «آیا در مورد مرگ گریه می کنی، با اینکه تو سرور زنان دو جهان، و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی، و آن حضرت با زبان خود تو را به بهشت مژده داده است؟»

خدیجه سلام الله علیها فرمود: «گریه ام برای مرگ نیست، بلکه در مورد

ص: 3

---

1- مجمع البیان، ج 10، ص 30، بحار، ج 19، ص 20 و 24 (با اندکی تفاوت)

2- زندگانی فاطمه الزهراء، از عمادزاده، ص 36.

3- قابل توجه این که در متن، «اسماء بنت عمیس» آمده، و این اشتباه است زیرا اسماء بنت عمیس در آن هنگام همسر جعفر طیار بود، و هنگام رحلت خدیجه (سلام الله علیها) و عروسی فاطمه (سلام الله علیها) در حبشه به سر می برد، از این رو بعضی گفته اند: «اسماء بنت یزید بن سکن» است که با کنیه ام سلمه خوانده می شد (در این باره بحار، ج 43، ص 134 با توجه به پاورقی آن، مراجعه شود)

فاطمه سلام الله عليها است، هر دختری در شب زفاف خود نیاز به بانویی دارد تا به او کمک کند و مرحم اسرار او باشد، و نیازهای او را برطرف سازد، ولی فاطمه سلام الله عليها هنوز بزرگ نشده، نگرانم که در شب عروسیش کسی نباشد تا به جای من از او مادری و سرپرستی کند.»

اسماء می گوید: عرض کردم: «ای خانم من! من با خدا عهد می کنم که اگر خداوند تا آن وقت به من عمر داد، به جای تو برای فاطمه سلام الله عليها مادری کنم.»

این عهد همچنان در خاطر من بود، حضرت خدیجه سلام الله عليها رحلت کرد، هجرت به مدینه به پیش آمد، و سرانجام شب عروسی فاطمه سلام الله عليها (در سال دوم هجرت، اندکی بعد از جنگ بدر) فرا رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از انجام مراسم عروسی، به همه ی زنان دستور داد که به خانه های خود بروند، همه رفتند، ولی من طبق عهدی که با خدیجه سلام الله عليها داشتم ماندم، پیامبر صلی الله علیه و آله در تاریکی مرا دید، فرمود: کیستی؟ گفتم: اسماء هستم. فرمود: «مگر دستور ندادم که از خانه بیرون بروید؟»

عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدای تو، آری چنین دستور فرمودی، و من قصد مخالفت با دستور تو را ندارم، ولی با حضرت خدیجه سلام الله عليها عهد و پیمانی بسته ام، آنگاه داستان عهد و پیمان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کردم.

آن حضرت تا نام خدیجه سلام الله عليها و وصیت او را شنید، بی اختیار

گریه کرد، آنگاه به من فرمود: «تورا به خدا برای وفای به عهدت در اینجا مانده ای؟»

عرض کردم: سوگند به خدا آری.

پیامبر صلی الله علیه و آله برای من دعای خیر کرد. (1)

### خوف خدیجه سلام الله علیها از مرگ

با اینکه حضرت خدیجه سلام الله علیها نهایت فداکاری را برای اسلام نمود، و به طور مکرر از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به او مژده ی بهشت داده شد، در عین حال خائف بود، و در آستانه ی مرگ، از ترس خدا هراسان بود، و خود را بنده ی کوچک و ناچیزی می دانست، و از درگاه خدا می خواست که در عالم قبر و برزخ خشنود گردد، از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دعا و طلب مغفرت نمودن داشت، و از آن حضرت می خواست که هنگام مرگ و خاک سپاری، او را مورد لطف خاص قرار دهد، در قبرش بخوابد، و با این کار، رحمت الهی را وارد قبر سازد و....

در آن هنگام فاطمه سلام الله علیها حدود پنج سال داشت، گویا خدیجه سلام الله علیها شرم داشت از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دیگر کند، فاطمه سلام الله علیها را واسطه قرار داد، به او فرمود: «دختر جان! نزد پدر برو، و از او بخواه پیکرم را با یکی از روپوشهای خود کفن نموده و بپوشاند.» (2)

فاطمه سلام الله علیها واسطه شد، و این تقاضای خدیجه سلام الله علیها نیز روا گردید. این تقاضای خدیجه سلام الله علیها از اینرو بود تا آن لباس موجب نورهایی از رمت الهی گردد و او را در عالم برزخ و روز قیامت

ص: 5

---

1- کشف الغمه، بحار، ج 43، ص 138.

2- اقتباس از الوقایع والحوادث، ج 1، ص 132.

## رحلت جانسوز خدیجه سلام الله علیها

مطابق نقل معروف، حضرت خدیجه سلام الله علیها در روز دهم ماه رمضان سال دهم بعثت از دنیا رفت. در این سال با فاصله اندک دو یاراستوار و مخلص پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابوطالب علیه السلام و خدیجه سلام الله علیها رحلت کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله از رحلت آنها بسیار ناراحت و غمگین شد، و آن سال را «عام الحزن» (سال اندوه) نامید. علامه طبرسی می نویسد:

«ورد علی رسول الله امران عظیمان و جزع جزعا شدیداً؛ با رحلت ابوطالب علیه السلام و خدیجه سلام الله علیها دو فاجعه ی عظیم برای پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داد. به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت بی تاب و اندوهگین گردید.»<sup>(1)</sup> و به نقل علامه مجلسی «فلزم بینه و اقل الخروج؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در این هنگام خانه نشین شد. او کمتر از خانه بیرون می آمد.»<sup>(2)</sup>

## دلداری خداوند به حضرت زهرا سلام الله علیها در سوگ مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خدیجه سلام الله علیها رحلت کرد:

«جعلت فاطمه تلوذ برسول الله و تدور حوله، و يقول یا ایه! این امی؟»

حضرت زهرا سلام الله علیها به پدر پناه برد، و اطراف پدر می چرخید و می گفت: ای بابا! مادرم کجاست؟»<sup>(3)</sup>

در این هنگام جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «پروردگارت به تو فرمان می دهد که به فاطمه سلام الله علیها سلام برسان و به او بگو: مادرت در خانه ای در بهشت است که از یک قطعه ی بلورین ساخته شده، که پایه اش از طلا

ص: 6

---

1- اعلام الوری، ص 62 و 63.

2- بحار، ج 19، ص 21.

3- طبق بعضی از روایات، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در جواب او فرمود: «مادرت در قصری است که آن قصر دارای چهار در است و آن درها به بهشت گشوده می شوند.» (بحار، ج 22، ص 509).

و ستونش از یاقوت سرخ می باشد، و بین آسیه سلام الله علیها و مریم دختر عمران سلام الله علیها قرار گرفته است.»

فاطمه سلام الله علیها گفت: «خدا سلام است، و از او است سلام، و به سوی او سلام است.»<sup>(1)</sup>

در نقل دیگر آمده: فاطمه سلام الله علیها به پیامبر عرض کرد: مادرم کجاست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فی بیت من قصب؛ در خانه ای بلورین بدون هرگونه رنج و ناآرامی در کنار مریم و آسیه سلام الله علیها است» فاطمه سلام الله علیها پرسید: «آیا منظور از قَصَب همین نی ها است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه، آن خانه با گوهر و لؤلؤ و یاقوت، آراسته و تنظیم شده است.»<sup>(2)</sup> و<sup>(3)</sup>

### آوردن کفن از سوی خدا برای خدیجه سلام الله علیها

در کتاب «الخصائص الفاطمیه» نقل شده: طبق روایت مشهور، هنگامی که حضرت خدیجه سلام الله علیها رحلت کرد، فرشتگان رحمت از جانب خداوند کفن مخصوصی برای خدیجه سلام الله علیها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند، و این علاوه بر اینکه مایه ی برکت برای خدیجه سلام الله علیها بود، مایه ی تسلی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید، و به این عنوان تقریر و تجلیل جالبی از طرف خداوند به حضرت خدیجه سلام الله علیها به عمل آمد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیکر مطهر حضرت خدیجه سلام الله علیها را با آن کفن پوشانید، سپس جنازه ی او را با همراهان به سوی قبرستان معلی که در دامنه ی کوه حجون در بالای مکه قرار گرفته بردند، تا در کنار مادرش حضرت آمنه سلام الله

ص: 7

---

1- المجالس شیخ مفید ص 110، بحار، ج 16، ص 1.

2- صحیح بخاری، طبق نقل زندگانی فاطمه الزهراء، از: عمادزاده، ص 27.

3- اسوه ایثار و مقاومت، ص 258 تا 264.

علیها به خاک بسپارد. (1)

در آنجا قبری برای حضرت خدیجه سلام الله علیها آماده کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان قبر رفت و خوابید، سپس بیرون آمد و آن گوهر پاک را در آنجا به خاک سپرد. (2)

علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران می نویسند: «هنوز در آن وقت نماز میت واجب نشده بود، از این رو نماز میت بر خدیجه سلام الله علیها خوانده نشد، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آماده شدن قبر، وارد قبر شد و او را به خاک سپرد.» (3)

### اندوه جانکاه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق خدیجه سلام الله علیها

چنانکه گفتیم پیامبر صلی الله علیه و آله از فراق حضرت خدیجه سلام الله علیها بسیار اندوهگین شد، چرا که حضرت خدیجه سلام الله علیها در طول بیست و پنج سال زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله همواره در شب و روز همدم و مونس و یار مخلص و شریک غمهای پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و از سوی دیگر افرادی بودند که به خاطر خدیجه سلام الله علیها و ابوطالب علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله آسیبی نمی رساندند، ولی بعد از وفات خدیجه سلام الله علیها و ابوطالب علیه السلام دست آزارشان به آن حضرت باز گردید. و به راستی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از قبرستان به سوی خانه و دیدار حضرت زهرا سلام الله علیها که در آن وقت خردسال بود، چه حالتی داشت، و چگونه می توانست جای خالی خدیجه سلام الله علیها را پس از بیست و پنج سال ایثار و مقاومت، بنگرد؟ عظمت این مصیبت و

ص: 8

---

1- گرچه طبق بعضی از روایات قبر حضرت آمنه (سلام الله علیها) مادر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سرزمین «ابواء» بین مدینه و مکه است، ولی محدث محلاتی می نویسند: «حق این است که پیکر آمنه (سلام الله علیها) را از آنجا انتقال داده و در حجون به خاک سپردند.» (ریاحین الشریعه، ج 2، ص 412).

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 271- کشف الغمه، ج 2، ص 79.

3- بحار، ج 16، ص 13، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14، ص 76.

فاجعه را جز خدای بزرگ نمی داند. و شاید بتوان گفت که در زندگی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ مصیبت و حادثه‌ی تلخی برای آن حضرت، همانند رحلت جانسوز حضرت خدیجه سلام الله علیها نبود، که به حق جگرسوز و کمرشکن بود. چرا که وجود حضرت خدیجه سلام الله علیها عامل مهمی در ساختار زندگی درخشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و حیات و پیشرفت اسلام، در سالهای آغاز بعثت بود، اگر وجود خدیجه سلام الله علیها در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دارای این تأثیر عظیم نبود، فقدان او موجب آن همه تأثر و اندوه وصف ناپذیر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی شد، و مرگ او موجب بی تابی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی گشت، و سال مرگش را «سال حزن» اعلام نمی نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله چنانکه خاطر نشان گردید، سالهای دراز بعد از رحلت خدیجه سلام الله علیها از او به عظم یاد می کرد، و سهم او را در پیشبرد اسلام، همواره یادآوری می نمود، و در سوگش و یاد خاطراتش اشک می ریخت، آیا آن همه تأثر و یادآوری بیانگر چیست؟!

موضع گیریهای خدیجه سلام الله علیها در دفاع از اسلام و محمد صلی الله علیه و آله از عوامل مهم تحکیم و گسترش اسلام بود، او اولین بانوی مسلمان بود، و ایثار و مقاومتش همطراز شمشیر امیر مؤمنان علی علیه السلام به حساب می آمد. چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله آن همه فداکاری های او را فراموش کند، و رحلت جانسوزش را

اندوه جانکاه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق او، بیانگر عظمت ایثار، فداکاری ها و مقاومت های حضرت خدیجه سلام الله علیها است، چرا که رحلت خدیجه سلام الله علیها یکی از ستون های استوار و محکم اسلام را ویران ساخت، و وفات دلخراش ابوطالب، چند روز قبل از او نیز فاجعه ی کمرشکن دیگری بود. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله با از دست دادن این دو یار استوار و پر صلابت، دیگر نمی توانست به زندگی خود در مکه ادامه دهد، به همین دلیل ناگزیر به هجرت به سوی مدینه شد.

در این باره هرچه بگوییم کم گفته ایم، و نمی توانیم یکهزارم مطلب را ترسیم کنیم، چگونه می توان تأثر و اندوه عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله از فراق خدیجه سلام الله علیها را با زبان و قلم بیان کرد؟ آیا می توان با یک لیوان معمولی آب دریا را برداشت؟ (1)

### مرقد مطهر حضرت خدیجه سلام الله علیها

مرقد مطهر حضرت خدیجه سلام الله علیها در بالای مکه در قبرستان حجون که امروز به نام «قبرستان معلی» معروف است قرار دارد، قبرهای عبدالمطلب و ابوطالب و خدیجه سلام الله علیها در کنار هم با فاصله ی یکی دو متر هستند.

مسلمانان در سال 727 ه.ق بارگاهی بر سر مرقد منور حضرت خدیجه سلام الله علیها بنا کردند، مردم مکه و سایر زائران کنار قبر او می آمدند و در آنجا متوسل به حضرت خدیجه سلام الله علیها می شدند و راز و نیاز با خدا می کردند، و اظهار ادب و خلوص می نمودند، و قصیده

ص: 10



های بسیار فصیح و پر محتوا که ادیبان عرب در شأن حضرت خدیجه سلام الله علیها سروده بودند، در لوح هایی نوشته و در آن بارگاه نصب می نمودند، و در سالروز ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان به سوی مرقد منور آن حضرت می رفتند و اظهار نشاط و شادمانی می نمودند، و ماجرا به همین منوال ادامه داشت تا اینکه در سال 1344 ه.ق با تسلط وهابیان بی رحم و سبک مغز همه ی آن بارگاههای مقدس را- به بهانه باطل مبنی بر اینکه توسل به آنها یک نوع شرک است- ویران کردند، و از آن زمان تاکنون مرقد منور حضرت خدیجه سلام الله علیها و سایر بزرگان همچون قبرستان بقیع در مدینه مهجور و مخروب است، و وهابیان از تعمیر قبرها به صورت آبرومند جلوگیری می نمایند. سال گذشته که توفیق انجام عمره نصیبم شد، با گروه کاروان به قبرستان معلی رفتیم، در پشت دیوار سنگی کنار جاده، با فاصله ی حدود صد متر تا قبر حضرت خدیجه سلام الله علیها، قبر او و قبر ابوطالب علیه السلام و... را به ما نشان دادند و همانجا زیارتنامه خواندیم، و برای ما درست مشخص نشد که قبر شریف خدیجه سلام الله علیها کدام است؟ به راستی تا کی باید این گونه به مسلمانان شیفته ی خاندان رسالت جفا و ظلم شود؟! و آنها دلسوخته گردند و نتوانند کنار مرقد بزرگوارانی همچون خدیجه سلام الله علیها و ابوطالب علیه السلام بروند؟!

یابن العسکری ای حجت بر حق! که می دانم جگرت از دست آن ناهلان منسوب به اسلام کیاب است، ببین

با ما چه می کنند، و نمی گذارند دستی بر قبر ارجمند جده ات حضرت خدیجه سلام الله علیها آن بانوی بزرگ دو جهان، بکشیم، و در کنار مرقد پر برکت او با خدای بزرگ راز و نیاز کنیم.

ای حجت حق پرده ز رخسار برافکنکز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم

شمشیر کجست راست کند قامت دین راهم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم

ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم

وا اسفاه! از این محرومیت. آه و فغان از آن همه ظلم و جور.

در اینجا توجه به این نکته لازم است که قبرستان ابوطالب غیر از شعب ابوطالب است، زیرا شعب ابوطالب نزدیک کعبه در پشت کوه ابوقیس قرار دارد، ولی قبرستان ابوطالب (معلی) در بالای کعبه، بیش از یک کیلومتر دورتر از کعبه قرار گرفته است. (1)

### **پیشانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فراق ابوطالب علیه السلام و خدیجه سلام الله علیها**

چند روزی از رحلت جانسوز دو یار مهربان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی خدیجه سلام الله علیها و ابوطالب علیه السلام نمی گذشت، که کافران جرأت بیشتر یافتند. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از کوچه های مکه عبور می کرد، ناگاه یکی از مزدوران قریشی ظرفی پر از خاکروبه را بر سر و روی آن حضرت ریخت، هر وقت چنین حوادث تلخی برای پیامبر رخ می داد به خانه باز می گشت و خدیجه سلام الله علیها با کمال مهر و محبت، سر و صورت آن حضرت را می شست، و برخوردهای پر عطف خدیجه سلام الله علیها مرهمی بر زخم های پیامبر صلی الله علیه و آله بود، اینک پیامبر

ص: 12

صلی الله علیه و آله به خانه بازگشته، ولی جای خالی خدیجه سلام الله علیها را می نگرد، به راستی که پیامبر صلی الله علیه و آله در این حال، بسیار رنجیده خاطر شد... یکی از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله - شاید فاطمه سلام الله علیها بود- در حالی که گریه می کرد به جای مادرش خدیجه سلام الله علیها آب آورد تا سر و روی پیامبر صلی الله علیه و آله را بشوید، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «دخترم! گریه نکن، خداوند گزند دشمن را از پدرت دفع خواهد کرد...»<sup>(1)</sup>

آری فراق خدیجه سلام الله علیها برای پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار جان سوز و دردآور بود، از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه از او یاد می کرد، و با اشک و شور و ابراز احساسات، از محبت های بی شائبه او قدردانی می نمود.

### سوگ خوانی حضرت علی علیه السلام در رحلت ابوطالب و خدیجه علیها السلام

اعینی جودا بارک الله فیکما علی ها لکین لا تری لهم مثلا

علی سید الطحء و ابن رئیسها و سیده النسوان اول من صلی

مهذبہ قد طیب الله خیمها مبارکة والله ساق له الفضلا

فبت اقاسی الهم والثکلا مصابهما ادحی الی الجود الهوا

لقد نصرنا فی الله دین محمد علی من بغی فی الدین قد رعیا الا

یعنی ای دو چشمانم! اشک بریزید خدا آن را در مورد شما مبارک کند در مورد رحلت ابوطالب و خدیجه علیهما السلام که بی نظیر بودند.

بگریید درباره ی رحلت جانسوز سرور بطحاء و فرزند رییس مکه (ابوطالب) و برای رحلت جانسوز سرور زنان، همو که نخستین زنی بود که نماز با پیامبر اسلام صلی

ص: 13

---

1- سیره ی ابن هشام، ج 2، ص 58.

همان پاک بانویی که خداوند هودج و پیرامون او را پاک ساخته، بانوی پربرکتی که خداوند او را رهرو فضایل و برتری‌ها نموده است.

شب کردم در حالی که دچار اندوه جانکاه رحلت این دو بزرگوار و فراق آنها شدم، و مصیبت جان سوز آنها، شبانه روز مرا تیره و تار ساخته است.

این دو شخص آئین محمد صلی الله علیه و آله را برای خدا یاری کردند، و با ستمکاران و یاغیان، با آخرین توان مبارزه نمودند. (1)

### گریه و راز و نیاز امام حسین علیه السلام در کنار قبر خدیجه سلام الله علیها

امام حسین علیه السلام بیست و پنج بار پیاده از مدینه به مکه برای انجام مراسم حج و عمره مسافرت کرد، روایت شده در یکی از سفرها انس بن مالک همراه آن حضرت بود، او می‌گوید: امام حسین علیه السلام کنار مرقد شریف حضرت خدیجه سلام الله علیها آمد و در آنجا (به یاد خاطرات فداکاری‌های خدیجه سلام الله علیها و ظلم‌هایی که به او شد) گریه کرد سپس به من فرمود: از من فاصله بگیر، من کنار رفتم، در نزدیک او در کناری پنهان شدم، مشغول نماز شد، نمازش به طول کشید، شنیدم او در نماز خود چنین با خدا مناجات می‌کرد.

یا رب یا رب انت مولا هفارحم عیبدا الیک ملجاء

یا ذا المعالی علیک معتمدیطوبی لمن کنت انت مولا

طوبی لمن کان خائفاً ارقایشکوا الی ذی الجلال یلواه

و ما به عله و لا سقماکثر من حبه لمولاه

اذا اشتکی بثه و غصتها جابه الله ثم لباه

اذا ابتلی بالظلام مبهتلاً کره الله ثم ادناه

یعنی: ای پروردگار و خدایی که تو مولا و سرورش هستی به

ص: 14

بنده ی کوچکی که پناهگاهش تو هستی رحم کن. ای خدای بزرگ و صاحب صفات کمال و جلال، بر تو تکیه می کنم، خوشا به حال کسی که تو مولا و سرورش هستی. خوشا به حال کسی که درگاه تو ترسان و شب زنده دار است، و شکایت گرفتاری های خود را به سوی تو آورده و از تو تمنای رفع آن را دارد. چنین کسی گرفتاری و بیماریش، بیش از عشقش به مولایش نیست. هرگاه رفع رنجها و گرفتاری هایش را از درگاه خدا می طلبد، خداوند خواسته ی او را به اجابت رسانده و به تمنای او جواب مثبت می دهد. هنگامی که به ستم ستمگران گرفتار و دچار شد، با تضرع رو به سوی تو آورده، آنگاه خداوند او را گرامی داشته و سپس او را به درگاه خود نزدیک سازد.»

پس از آنکه مناجات امام حسین علیه السلام در کنار قبر خدیجه سلام الله علیها به اینجا رسید، ندایی در پاسخ او شنیده شد که از درگاه الهی به او چنین می گفت:

لیبک لیبک انت فی کنفیو کما قلت قد علمناه

صوتک تشتاقه ملائکتی فحسبک الصوت قد سمعناه

دعاک عندی یجول فی حجب فحسبک الستر قد سفرناه

لو هبت الریح فی جوانبه خر صریعا لما تغشاه

سلنی بلا رعبه ولا رهبولا حساب انی انا الله

یعنی: بلی بلی تو در کنار و پناه من هستی، و هرچه را گفتمی به آن آگاهی داریم.

فرشتگانم به صدای تو اشتیاق دارند، برای ارزش راز و نیاز تو همین بس که ما آن را می شنویم.

دعایت در درگاه من در

ص: 15

میان حجابها(ی نور) جولان و گردش می کنند، و همین تو را بس که ما آن را از میان حجاب ها آشکار می کنیم.

هرگاه آن دعاها در گردش خود در مقامی قرار گیرند که اگر در آن مقام مردی باشد، همان گونه که در پرتو انوار شکوه و عظمت الهی مدهوش شوند، او مدهوش بیفتد. (یعنی آن دعا در درون انوار درخشان الهی قرار گرفته و آن انوار آن را در بر می گیرند، و موجب ارزش آن می شوند.) بدون ترس و وحشت و حساب، از درگاه من تقاضا کن که منم خداوند بر آورنده ی حاجات. (1)

### رجعت حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ظهور حضرت قائم (عج)

مطابق روایات بسیار، هنگام ظهور امام قائم (عج)، پیامبر صلی الله علیه و آله و جمعی از اولیاء خدا و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و... به دنیا مراجعه نموده و در عصر درخشان ظهور، از دشمنان انتقام می گیرند و مدتی دوباره در دنیا زندگی می نمایند. در این راستا نظر شما را به فرازی از گفتار امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان معروفش به نام مفضل بن عمر جلب می کنیم:

(... سپس امام حسین علیه السلام در حالی که به خورش رنگین است همراه سایر شهیدان کربلا ظاهر می شوند، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را با آن وضع می نگرد گریه می کند، اهل آسمانها و زمین از گریه ی او می گریند... در جانب راست امام حسین علیه السلام حضرت حمزه، و در طرف چپ او حضرت جعفر طیار حرکت می کنند، در این هنگام خدیجه سلام الله علیها می آید در حالی

ص: 16

که محسن (فرزند شهید فاطمه سلام الله علیها را در آغوش گرفته، همراه فاطمه بنت اسد (مادر علی علیه السلام می آیند و بلند بلند گریه می کنند، حضرت زهرا سلام الله علیها مادر محسن علیه السلام پشت سر آنها می آید و فریاد می زند:

«هذا یومکم الذی کنتم توعدون؛ این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.»(1)

آنگاه حضرت امام صادق علیه السلام گریه کرد، به طوری که محاسنش از اشک چشمش خیس شد، مفضل نیز گریه ی طولانی نمود... (2)

## شکوه خدیجه سلام الله علیها در عالم برزخ

### اشاره

در جهان هستی، سه عالم وجود دارد: 1- عالم دنیا 2- عالم برزخ 3- عالم قیامت و آخرت

عالم برزخ حد فاصل بین آغاز مرگ تا برپا شدن قیامت است، چنانکه در فرازی از آیه 100 سوره ی مؤمنون می خوانیم:

«و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون؛ و پشت سر آنها (پس از مرگ) برزخی است تا روز قیامت.»

در عالم برزخ، مؤمنان خالص مشمول الطاف و نعمتهای خداوند هستند، ولی کافران و مجرمان در عذاب الهی به سر می برند، چنانکه آیات و روایات متعدد بر این مطلب دلالت دارند.

در رابطه با حضرت خدیجه سلام الله علیها، روایات بیانگر عظمت مقام آن حضرت در عالم برزخ است در اینجا نظر شما را به چند مورد جلب می کنیم:

### 1- قصر خدیجه سلام الله علیها

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بستر رحلت قرار گرفت و ساعات آخر عمر را می پیمود، حضرت زهرا سلام الله علیها به بالینش آمد و پرسشهایی کرد، از جمله پرسید:

«فاین والدتی خدیجه؛

مادرم خدیجه سلام الله علیها در کجاست؟»

رسول اکرم صلی الله

ص: 17

1- انبیاء/ 103.

2- بحار، ج 53، ص 23.

«فی قصر له اربعه ابواب الی الجنه؛ او در قصری است که آن قصر دارای چهار در است، آن درها به بهشت گشوده می شوند.» (1)

این پاسخ، بیانگر مقام ارجمند حضرت خدیجه سلام الله علیها در عالم برزخ است.

## 2- خیمه ی شکوهمند خدیجه سلام الله علیها

ابوبصیر می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، پای خود را بر زمین زد و حرکت داد، ناگاه دریایی دیدم [مکاشفه ای شد و خود را در عالم برزخ یافتم] در آنجا کشتی هایی از نقره مشاهده کردم، آن حضرت سوار بر کشتی شد، من نیز سوار شدم و کشتی حرکت کرد تا به محلی که در آنجا خیمه هایی از نقره (شکوهمند) وجود داشت رسید، آن حضرت به یکی از خیمه ها وارد شد، سپس بیرون آمد، آنگاه به من فرمود: آیا آن خیمه ای را که نخست وارد آن شدم دیدی؟ عرض کردم آری، فرمود: آن خیمه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، (خیمه دیگری را نشان داد و فرمود:) این خیمه ی حضرت علی علیه السلام است، خیمه ی سوم خیمه فاطمه سلام الله علیها است خیمه ی چهارم خیمه ی خدیجه سلام الله علیها است، خیمه ی پنجم خیمه امام حسن علیه السلام، خیمه ی ششم خیمه ی امام حسین علیه السلام است، خیمه ی هفتم خیمه ی امام سجاد علیه السلام است، خیمه ی هشتم خیمه ی پدرم امام باقر علیه السلام است، خیمه ی نهم خیمه ی من است، هر یک از ما که از دنیا می رویم، دارای خیمه ای هستیم که در آن سکونت می کنیم.» (2)

## 3- انتظار خدیجه سلام الله علیها برای استقبال از روح علی علیه السلام

هنگامی که امیرمؤمنان

ص: 18

1- امالی صدوق، ص 387، بحار، ج 22، ص 509.

2- بصائر الدرجات، ج 8، ص 119، بحار، ج 47، ص 91، وج 6، ص 24.



علی علیه السلام ضربت خورد و در بستر شهادت قرار گرفت، فرزندانش در بالینش بودند و گریه می کردند. آن بزرگوار گاهی مدهوش می شد، یک بار چشم گشود و فرزندش حسن علیه السلام را در بالینش دید که گریه می کند و می گوید: «آه کمرم قطع شد، بر من بسیار سخت است که تو را اینگونه بنگرم.» حضرت علی علیه السلام او را چنین دلداری داد:

«یا بنی لا جزع علی ابیک بعد الیوم، هذا جدک محمد المصطفی و جدتک خدیجه الکبری، و امک فاطمه الزهراء، والحوار العین محدقون منتظرون قدوم ابیک، فطب نفسا، و قرعینا، و کف عن البکاء؛

پسر جان! پس از امروز، دیگر اندوه و ناراحتی برای پدرت نیست، این جد تو محمد برگزیده خدا صلی الله علیه و آله و جدۀ ی تو خدیجه بانوی بزرگ اسلام سلام الله علیها، و مادرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، و حوریان بهشت هستند که چشم انتظار دوخته اند و در انتظار ورود پدرت (به عالم برزخ) هستند، خود را آرام و خشنود کن، و چشمت روشن باد، و گریه نکن.»

نظیر همین مطلب در مورد امام حسین علیه السلام رخ داد، آن حضرت چشم باز کرد، و دید فرزندش امام حسین علیه السلام در بالینش نشسته و گریه می کند، با همان گفتار فوق، حسین علیه السلام را دلداری داد.»<sup>(1)</sup>

#### 4- آمدن خدیجه سلام الله علیها به بالین سکینه سلام الله علیها در عالم خواب

هنگامی که سکینه سلام الله علیها دختر امام حسین علیه السلام پس از ماجرای کربلا، به صورت اسیر با همراهان وارد شام شد، در عالم خواب، خواب طولانی دید که در فرازی از آن آمده فرمود: ناگاه دیدم پنج سراپرده

ص: 19

از نور از آسمان به زمین نشست، و پنج زن ارجمند از میان آنها خارج شدند و به سوی من آمدند، پرسیدم: این بانوان کیستند؟ شخصی که معرفی می کرد گفت: اولی حوا مادر بشر، دومی آسیه دختر مزاحم، سومی مریم دختر عمران، چهارمی خدیجه دختر خویلد است پرسیدم این زن پنجم کیست که دستهایش را بر سر نهاده، گاهی (از شدت ناراحتی) بر زمین می افتد و گاهی بر می خیزد گفت: «این فاطمه سلام الله علیها دختر محمد صلی الله علیه و آله مادر پدرت می باشد.»

با خود گفتم: سوگند به خدا به حضورش می روم و تمام حوادثی را که برای ما پیش آمده به اطلاع او می رسانم، با شتاب و سرعت نزد او رفتم تا به او رسیدم و در پیش رویش در حالی که گریه می کردم ایستادم و گفتم:

«یا امته! جحدوا والله حقنا، یا امته! بددوا والله شملنا، یا امته استباحوا والله حریمنا، یا امته قتلوا والله الحسین ابانا؛

ای مادر جان! سوگند به خدا حق ما را انکار کردند، ای مادر جان! سوگند به خدا جمع ما را پراکنده ساختند، ای مادر جان! سوگند به خدا حریم حرمت ما را شکسته و مباح نمودند، ای مادر جان! سوگند به خدا پدرمان حسین علیه السلام را کشتند.»

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود:

«کفی صوتک یا سکینه، فقد قطعت نیاط قلبی، و اقرحت کبدی هذا قمیص ابیک الحسین لای فارقتی حتی القی الله به؛ سکینه جانم! دیگر سخن نگو، زیرا رگ قلبم را پاره کردی و جگرم را شعله ور نمودی، این پیراهن پدرت حسین علیه

السلام است، که از من جدا نخواهد شد تا با آن خدا را ملاقات کنم.»(1)

## 5- ورود شکوهمند خدیجه سلام الله علیها با همراهان به کربلا

محدث خیبر محمد بن جعفر مشهدی (از علمای قرن ششم ه.ق.) در کتاب «المزار الکبیر» نقل می کند: روایت شده سلیمان اعمش گفت: در کوفه همسایه ای از اهل تسنن داشتم، با او زیاد محشور بودم، روزی به او گفتم: «نظر تو در مورد زیارت مرقد امام حسین علیه السلام چیست؟»

اول در پاسخ من گفت: «بدعت است، و بدعت موجب گمراهی و دخول در جهنم می باشد.»

از پاسخ ناروای او بسیار ناراحت و خشمگین شدم. با همین حال از نزد او برخاستم و رفتم، و با خود گفتم: بامداد زود نزد او می روم و فضایل امیر مؤمنان علیه السلام را بیان می کنم که با بیان این فضایل، خداوند چشمهای او را اندوهگین کند.» (یعنی قلبش را پر از غم کند تا آثار آن در چشمانش پیدا باشد).

بامداد فرا رسید به در خانه ی او رفتم، کوبه ی در را زدم، ناگاه صدایی از پشت در شنیدم که می گفت: «آن شخص (همسایه ام) اول شب به قصد زیارت مرقد امام حسین علیه السلام حرکت کرده است.»

من با سرعت حرکت کرده خود را به کاروان زائران رساندم همان همسایه را در میان آنها دیدم که مشغول نماز بود، پس از نماز به او گفتم: «تو شب گذشته می گفتی زیارت مرقد امام حسین علیه السلام بدعت است... ولی چطور اکنون به زیارت مرقد او می روی؟»

گفت: من آن هنگام با تو سخن گفتم، به امامت امامان خاندان رسالت علیهم السلام اعتقاد نداشتم، وقتی که

ص: 21

---

1- لهوف سید بن طاووس، ص 220، بحار، ج 45، ص 140 و 141 (با تلخیص)

از نزد رفتی، و من خوابیدم، در عالم خواب چیزهایی دیدم که وحشت زده شدم، و از عقیده ی قبل خود بازگشتم.

گفتم: چه خوابی دیدی؟

گفت: در عالم خواب شخص شکوهمندی دارای اوصافی چنین و چنان سواره دیدم، و در پیشاپیش او شخص شکوهمند دیگری بر اسب بود، پرسیدم اینها کیستند؟

به من گفتند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و دیگری وصیش علی بن ابیطالب علیه السلام است، در این هنگام چشمم را کشیدم و منظره ای در فضا دیدم، در آن منظره شتری از نور بود، و سراپرده ای بر پشت شتر نهاده بودند، پرسیدم این شتر و سراپرده از آن کیست؟ و سرنشینان سراپرده کیانند؟ به من چنین پاسخ داده شد:

«لخدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد؛

این سراپرده و شتر مال خدیجه دختر خویلد سلام الله علیها و فاطمه سلام الله علیها دختر محمد صلی الله علیه و آله است.»

جوانی همراه آنها دیدم، پرسیدم این جوان همراه آنها کیست؟ گفتند: حسن بن علی علیه السلام است.

پرسیدم: اینها کجا می روند؟ گفتند: «اینها به زیارت قبر مظلوم و شهید کربلا حسین بن علی علیه السلام می روند.»

به طرف آن سراپرده رفتم، ناگاه دیدم نامه هایی (مانند ورق درخت) از فضا به زمین ریخته می شود و آن نامه ها، امان نامه از سوی خدا برای زائران حسین در شبهای جمعه از آتش جهنم بودند.

در این هنگام ناگاه شنیدم منادی این چنین ندا کرد: «آگاه باشید، ما و شیعیانمان در درجه ی عالی بهشت هستیم.»

ای سلیمان! پس از این خواب، هرگز زیارت کربلا را



هم يطعمون- و اذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمين؛

و در میان آن دو (بهشتیان و دوزخیان) حجابی قرار دارد، و بر فراز اعراف مردان (ارجمندی) هستند که هر یک از آن دو را از چهره هاشان می شناسند.

و به بهشتیان صدا می زنند که «درود بر شما باد.» اما داخل بهشت نمی شوند. در حالی که امید آن را دارند- و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: پروردگارا ما را با گروه ستمگران قرار مده.»

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «منظور از حجاب بین بهشتیان و دوزخیان چیست؟» آن حضرت در پاسخ فرمود: «آن حجاب، سوری است (یعنی گذرگاه و گردنه و دژ بلندی است) بین بهشت و دوزخ.» سپس فرمود:

«قائم علیه محمد و علی الحسن والحسین و فاطمه و خدیجه علیهم السلام، فینادون این محبوبونا؟ این شیعتنا؟ فیقبلون الیم، فیعرفونهم باسمائهم و اسماء ابائهم؛ بر فراز آن سور (اعراف) حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، حسن و حسین علیهم السلام، فاطمه و خدیجه- علیهما السلام- قرار دارند، فریاد می زنند: دوستان ما کجایند؟ شیعیان ما کجایند؟ دوستان و شیعیان به سوی آنها روانه می گردند، آنها شیعیان و دوستانشان را با نامهای خودشان و نامهای پدرانشان می شناسند، این مطلب معنی آیه ی «یعرفون کلا بسماهم...» (آیه مذکور است) آنگاه دست شیعیان و دوستانشان را می گیرند و آنها را از گذرگاه و گردنه ی اعراف، و پل صراط می گذرانند و روانه ی بهشت می سازند.»(1)

نتیجه اینکه: حضرت خدیجه سلام الله علیها در قیامت، در

ص: 24

کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام و فاطمه سلام الله علیها بر فراز سور اعراف، برای شفاعت دوستان می آید، و مقام ارجمندش در آنجا در معرض دید همگان قرار می گیرد، و جزء شفاعت کنندگان در سطح بالا است. (1)

## 2- حضرت خدیجه سلام الله علیها در پیشاپیش فاطمه سلام الله علیها در درگاه بهشت

امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا رسد برای رسولان و پیامبر صلی الله علیه و آله منبرهایی از نور نصب می گردد، و منبر من در قیامت بلندترین منبرهاست... و همچنین برای اوصیاء منبرهایی از نور نصب می شود، که منبر حضرت علی علیه السلام از همه ارجمندتر است، و همچنین برای فرزندان پیامبران منبرهایی از نور نصب می شود که منبر امام حسن و امام حسین علیهما السلام از همه ی آنها با شکوه تر است، من و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام به فرمان خدا خطبه می خوانیم.

سپس منادی خدا جبرئیل فریاد می زند: «کجاست فاطمه دختر محمد سلام الله علیها؟ کجاست خدیجه دختر خویلد؟ کجاست مریم دختر عمران؟ کجاست آسیه دختر مزاحم؟ کجاست ام کلثوم مادر یحیی بن زکریا؟»

همه بر می خیزند، خداوند خطاب به مردم می فرماید: «ای مردم محشر! امروز بزرگی مقام و بزرگواری از آن کیست؟»

پیامبر، علی، حسن و حسین علیهم السلام می گویند: «از آن خدای یکتا و تواناست» خداوند می فرماید: «ای مردم محشر! من مقام ارجمندی را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، حسن و حسین

ص: 25

علیهم السلام و فاطمه سلام الله علیها قرار دادم، سرها را در گریبان کنید و چشمها را فرو خوابانید، که اینک این فاطمه سلام الله علیها است که به سوی بهشت عبور می کند.»

جبرئیل شتری شکوهمند از شترهای بهشت را می آورد، فاطمه سلام الله علیها بر آن سوار شده در حالی که صد هزار فرشته در جانب راست او، و صد هزار فرشته در جانب چپ او، و صد هزار فرشته پرهی خود را در زیر پای آن شتر قرار می دهند، تا اینکه آن حضرت را به درگاه بهشت می رسانند.

در آنجا فاطمه سلام الله علیها به درگاه خداوند عرض می کند: «مقام مرا به اهل محشر بشناسان.»

خداوند به او می فرماید: «بنگر که هر کس از دوستان تو و دوستان ذریه ی تو است، دست او را بگیر و وارد بهشت کن.»

امام باقر علیه السلام افزود: «سوگند به خدا فاطمه سلام الله علیها شیعیان و دوستانش را مانند مرغی که دانه های نیک را از میان دانه های گوناگون بر می چیند، جدا می کند، و از آنها شفاعت کرده و آنها را وارد بهشت می نماید.»<sup>(1)</sup>

در حدیث آمده: آسیه، مریم و خدیجه علیهما السلام در پیشاپیش حضرت زهرا سلام الله علیها همانند پیشقراولان و حاجبان به سوی بهشت روانه می گردند.<sup>(2)</sup>

### 3- خدیجه سلام الله علیها با هفتاد هزار فرشته ی پرچمدار

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد فاطمه سلام الله علیها آمد و او را اندوهگین یافت، از علت پرسید، فاطمه عرض کرد: به یاد قیامت و وقوف عریان در محشر افتادم، برای سختی آن روز غمگین شدم.

پیامبر صلی الله علیه

ص: 26

---

1- بحار، ج 43، ص 64 و 65 (با تلخیص).

2- همان، ص 37.



و آله فرمود: آری، آن روز، روز بزرگ است، ولی جبرئیل به من خبر داد که... خداوند می فرماید: فرشته ی اسرافیل را به سه حُلّه (لباس فاخر) از نور نزد تو (ای فاطمه) می فرستد، او به تو می گوید، برخیز و این لباسها را بپوش، آن را می پوشی، هفتاد هزار حوریه نزد تو آیند و با دیدار تو خرسند شوند، تو همراه آنها و فرشتگان بسیار از قبر خود خارج شده و به سوی بهشت روانه می شوی، در مسیر راه حضرت مریم سلام الله علیها با هفتاد هزار حوریه دیگر نزد تو آیند، او به تو سلام کند و به همراهانت می پیوندند.

«ثم تستقبلک امک خدیجه بنت خویلد، اول المؤمنات باللّه و برسوله، و معها سبعون الف ملک بایدیهم الویه التکبیر؛

سپس مادرت خدیجه سلام الله علیها دختر خویلد، همان نخستین زنی که ایمان به خدا و رسولش آورد، همراه هفتاد هزار فرشته که در دست آنها پرچم های تکبیر (الله اکبر) است به استقبال تو می شتابند.

سپس حوا سلام الله علیها و آسیه سلام الله علیها همراه هفتاد هزار حوریه ی (بانوان بهشت) می آیند و همراه تو حرکت می کنند تا با هم به مرکز اجتماع محشر می رسید، منادی حق در زیر عرش ندا می کند چشمهای خود را فرو خوابانید تا فاطمه سلام الله علیها دختر محمد صلی الله علیه و آله عبور کند، آنها چشم های خود را فرو خوابانند، در آن روز جز ابراهیم خلیل علیه السلام و علی علیه السلام کسی به تو نمی نگرد.

حضرت حوا سلام الله علیها همراه خدیجه

سلام الله علیها مادرت، در پیشاپیش تو هستند، سپس منبری از نور نصب گردد و تو بر فراز آن قرار گیری. جبرئیل نزد تو آید و عرض می کند: «چه حاجت داری؟» آنگاه تو حق خود را از ظالمان به خاندان نبوت طلب کنی، خداوند همه ی آنها را به دوزخ اندازد...

جبرئیل بار دیگر گوید: «باز حاجت خود را بگو» تو می گویی: «پروردگارا! به داد شیعیانم و شیعیان فرزندانم و شیعه ی شیعیانم برس.»

خطاب می رسد آنها را بخشیدم، هر کس که به تو توسل نمود و به درگاه تو چنگ زد، همراه تو با شکوه و جلال وارد بهشت می شود.»(1)

## سلام خدا و همه ی موجودات به تو ای خدیجه!

هزاران سلام و درود خداوند بزرگ بر تو ای خدیجه! بانوی خردمند، ایثارگر و باوفا، و هزاران سلام و درود پیامبران و امامان علیهم السلام و اولیای خدا و شهیدان بر تو ای اسوه و اسطوره ی مقاومت و فداکاری، که با گزینش قهرمانانه ی خود، انسانیت را روسفید کردی، و به صدق و وفا، معنی دادی، و به بانوان جهان، شخصیت و به او آبرو، عنایت کردی، ای همسر برگزیده ی خدا محمد صلی الله علیه و آله و مادر زهرا ی اطهر سلام الله علیها و مادر زن امیر مؤمنین علی علیه السلام و جده ی دوازده امام معصوم علیهم السلام!

سلامی خالص و گرم.

و در فرازی از زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«السلام علیک یا من انفتت ما لها فی نصره سید الانبیاء و نصرته ما استطاعت، و دافعت عنه الاعداء السلام علیک یا من سلم علیها جبرئیل و بلغها السلام من الله الجلیل، فهنیئا لک بما اولاک

ص: 28

سلام بر تو ای کسی که: ثروتش را در راه یاری سرور پیامبران، ایثار کرد. و آن حضرت را تا آخرین توان خود حمایت نمود، و گزند دشمنان را از آن حضرت دور کرد.

سلام بر تو ای کسی که: جبرئیل علیه السلام بر او سلام نمود، و سلام خداوند بزرگ را به او ابلاغ کرد، گوارا باد بر تو این امتیازات و افتخاراتی که خداوند تو را به خاطر آنها بر دیگران برتری بخشید.»<sup>(1)</sup>

ص: 29

---

1- حضرت خدیجه اسطوره ایثار و مقاومت، ص 287.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

